

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۶، شماره پیاپی ۲۱، بهار ۱۳۹۵

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی بر اساس توان انسانی از دیدگاه آمایش سرزمین (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شیراز)

سمانه تیموری: کارشناس ارشد برنامه‌ریزی و آمایش سرزمین، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران
علی شکور^۱: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
امیر گندهکار: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۶ صص ۹۳-۱۰۲ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۹

چکیده

یکی از مشکلات اساسی جامعه روستایی در گذشته فقدان برنامه راهبردی برای ساماندهی فضاها و مراکز روستایی بوده است و امروزه نیز عمران و توسعه روستایی کشور در گرو ساماندهی سنجیده محیط روستایی و تجهیز سلسله‌مراتبی این مراکز و فضاها طبق استانداردهای معین می‌باشد. این موضوع مورد توجه برنامه‌های عمرانی دوم، سوم و چهارم کشور نیز قرار گرفته است. در این راستا تعیین و تشکیل سلسله‌مراتبی از سکونتگاه‌های روستایی که بتواند چارچوب مؤثری برای توزیع جمعیت، خدمات و کارکردها باشد، ضروری است. هدف از این پژوهش بررسی و سطح‌بندی روستاهای بخش مرکزی شهرستان شیراز از نظر سطح توسعه‌یافتگی می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی است که در آن با استفاده از مستندات آماری و مدل‌های کاربردی در جغرافیا به تحلیل موضوع پرداخته می‌شود. روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای می‌باشد. برای انجام پژوهش ابتدا با مراجعه به کتابخانه استانداری فارس و سپس سایت مرکز آمار ایران، اطلاعات مورد نیاز به شیوه اسنادی گردآوری شد. سپس با به کارگیری ۲۴ متغیر در قالب ۷ شاخص مختلف و با استفاده از شاخص مرکزیت و روش تحلیل خوشه‌ای K میانگین، به سطح‌بندی روستاهای منتخب در ۳ سطح توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته اقدام گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بیشتر روستاهای بخش مرکزی شهرستان شیراز، در خوشه ۳ قرار گرفته و همچنین از نظر سطح توسعه‌یافتگی نیز ۷۲/۵۴ درصد توسعه نیافته، ۲۴/۵۲ درصد در حال توسعه و ۲/۹۴ درصد توسعه یافته می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: توسعه روستایی، آمایش سرزمین، توزیع فضایی خدمات، شیراز.

^۱ نویسنده مسئول: Alishakoor52@yahoo.com، ۰۹۱۷۳۱۸۲۵۲۸

بیان مسأله:

در طی دهه‌های اخیر بروز نابرابری و عدم توجه به روستاها در درون نواحی، موجب ضعف و تسریع روند نابودی این کانون‌های سکونتگاهی و بالطبع ایجاد عدم تعادل فضایی درون ناحیه و یک سویه شدن جریان خدمات، سرمایه، اطلاعات و جمعیت به سمت کانون‌های شهری گردیده است. بدین ترتیب سکونتگاه‌های روستایی با دامنه‌ی حداکثری از فقر، نابرابری و عقب ماندگی مضاعف در قیاس با دیگر مراکز جمعیتی کشور نیازمند برنامه‌ریزی و فراهم آوردن شرایط و امکانات مناسب جهت گسستن زنجیره فقر، بی عدالتی فضایی و بهبود رفاه اجتماعی هستند (شکور و شمس‌الدینی، ۱۳۹۱: ۶۴). در حقیقت نقاط روستایی شیوه‌ای از شکل‌دهی و نظم بخشی به عرصه‌های مکانی - فضایی‌اند که از آغاز زندگی بشر و از زمان بهره‌گیری از منابع پایه، پیوسته در مقیاس و مفهومی متفاوت مطرح بوده‌اند. بدین ترتیب در پهنه‌ی فضاهاى منطقه‌ای با توجه به دیگر عناصر فضایی، در واقع اهداف آمایش سرزمین به نحوی مؤثر تحقق می‌یابد (سعیدی، ۱۳۸۱: ۱۴۶). سیاست‌های رشد و توسعه مناطق روستایی بر پایه آمایش سرزمین به بیانی لحاظ نمودن ویژگی‌های توسعه پایدار در سیاست‌گذاری این مناطق خواهد بود و سیاست برنامه‌ریزان در مناطق روستایی باید در جهتی باشد که توسعه پایدار روستایی اساس فعالیت‌ها باشد (Heldak, 2010: 129). با توجه به وجود رابطه دو سویه میان آمایش سرزمین و مناطق روستایی، در صورتی که آمایش سرزمین معادل (سازماندهی فضا و تنظیم رابطه جمعیت، فضا و فعالیت) توصیف می‌شود، توزیع بهینه و استقرار مناسب فعالیت‌های روستایی در سطوح مختلف آن با تکیه بر امکانات بالقوه و بالفعل محیط جغرافیایی، می‌تواند به عنوان یکی از طرق دستیابی به توسعه پایدار مطرح گردد (طالشی و امیرفخریان، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

در همین رابطه باید بیان داشت که عدم وجود شبکه سلسله‌مراتبی کارا و منظم در زمینه توزیع مناسب خدمات و فعالیت‌ها در بین مناطق روستایی بر مبنای قابلیت‌ها، توان‌ها و نیازها منجر به عدم تعادل فضایی در میان این مراکز شده است (شمس‌الدینی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۹۰). در این زمینه طرح ساماندهی فضاها و سکونتگاه‌های روستایی به عنوان برنامه‌های تفصیلی برای توسعه روستاها در ابعاد مختلف در محدوده بخش تا سطح روستا است. این طرح‌ها به دنبال متناوب کردن نظام اسکان جمعیت و استقرار فعالیت‌ها و توزیع خدمات رفاهی و پشتیبان تولید بر اساس سلسله‌مراتب تقسیمات کالبدی در سطح مناطق روستایی است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۵۳). نگارندگان این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات می‌باشند که اولاً توزیع خدمات و امکانات در سطح روستاهای بخش مرکزی شهرستان شیراز چگونه است؟ و از طرف دیگر روستاهای این بخش از نظر توسعه یافتگی در چه سطحی می‌باشند؟ کوشش بر آن است تا با استفاده از مستندات آماری و مدل‌های کاربردی برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به این سؤالات پاسخ دهند.

مفاهیم و ادبیات نظری:

آمایش سرزمین: به عقیده برخی از صاحب‌نظران مانند فیلیپ لامور^۱ موضوع اساسی که آمایش سرزمین را معرفی می‌کند، مدیریت کشور است (Hasmen, 1970: 5) و برخی نیز آمایش سرزمین را نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت^۲ برای توزیع بهتر جمعیت، امکانات و فعالیت‌های مختلف به منظور افزایش رفاه و آسایش جامعه می‌دانند (Henry, 2002: 292). به لحاظ مفهوم، آمایش سرزمین، ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است که در ارتباط با انسان، مقوله‌ی مدیریت است و در ارتباط با فضا، بحث اقلیم مطرح است و در ارتباط با فعالیت، مقوله برنامه و برنامه‌ریزی برجسته می‌شود؛ یعنی مفهوم آمایش سرزمین تلفیقی از سه علم مدیریت و اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی است (وحیدی، ۱۳۷۳: ۷۶).

ساختار فضایی سکونتگاه‌ها: در مفهوم کلی و عام، ساماندهی فضایی عبارت از بهبود و اصلاح کنش متقابل و ایجاد نظم و ترتیب بهینه میان اجزای نظام است به شکلی که در نهایت کل نظام به سوی هدف‌های پیش‌بینی شده هدایت گردد. در خصوص فضاها و سکونتگاه‌های روستایی، این اصطلاح را می‌توان شناخت کامل و سپس تدوین سیاست‌های مؤثر در جهت بهینه‌سازی عملکرد سازمان فضایی سکونتگاه‌ها از طریق ایجاد یک ساختار سلسله‌مراتبی از مراکز و فضاها و هدایت سرمایه-

^۱ . Phlpe lamour

^۲ .Long – range planning

گذاری‌ها در زیربنای اجتماعی - اقتصادی و خدماتی با هدف تدارک و تسهیل روابط دو سویه مکمل و برابر میان سکونتگاه‌ها دانست (حاجی نژاد، ۱۳۷۵: ۹).

جایگاه مدیریت توسعه اجتماعی در آمایش سرزمین: تجربه تاریخی نشان می‌دهد که مناطق فقیر در مباحث آمایش سرزمین عمدتاً فاقد نیروی انسانی کافی، برنامه‌ریزی و مدیریت کارا، وسایل ارتباطی و زیرساخت‌های مناسب هستند. این امر مناطق مذکور را در موقعیتی قرار می‌دهد که قادر به رقابت با مناطق نسبتاً مرفه نباشند. به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند این مشکل را حل کند، هماهنگ ساختن سطح مدیریت توسعه اجتماعی این مناطق با مناطق دیگر است (*kuklinski, 1974*). در طی دهه‌های اخیر منتهی به پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم این نظریات و واقعیت‌های غیرقابل تردید مرتبط با آن باعث شد تعریف توسعه دستخوش تحول گردد و برنامه‌ریزان ملاحظات گسترده‌تری را نسبت به گذشته در مطالعات خود وارد کنند. از جمله موارد لحاظ شده، مسائل اجتماعی است که از طریق مطالعات مربوط به بهداشت، آموزش، شاخص‌های زندگی، ساختار خانواده و نظایر آن جایگاه مشخصی در برنامه‌ها یافته و در کنار مسائل اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. این امر در مورد برنامه‌های آمایش سرزمین نیز صادق است. هرچند که گفته می‌شود توسعه اجتماعی بسیار فراتر از تأمین تسهیلات اجتماعی از قبیل آموزش، بهداشت و مسکن است و توسعه اجتماعی متضمن کوششی آگاهانه به منظور ایجاد دگرگونی‌های ساختی در اجتماع است و پی‌ریزی یک جامعه برابرگرا را هدف می‌گیرد (مابوگونج، ۱۳۶۸: ۶۵).

آمایش سرزمین و توسعه روستایی در ایران: در کشور ما به دلیل وجود نابرابری‌های کمی و کیفی میان عرصه‌های شهری و روستایی و تشدید آنها طی روندهای دگرگونی ساز دهه‌های اخیر، ضرورت جستجوی راه‌های خروج از معضل و تعدیل نابرابری‌ها به ویژه در فضاهای روستایی مطرح است. توجه به بینش فضایی در برنامه‌ریزی و نیز توجه به اندازه و اصلاح نحوه استقرار فضایی سکونتگاه‌های روستایی، نقش و عملکرد هریک از روستاهای کوچک و بزرگ در مجموعه سکونتگاهی سرزمین و ارتباط آن با چگونگی پراکنش امکانات و تسهیلات از یک سو و مسئولیت‌ها از سوی دیگر به عنوان راه حلی عملی از جانب بسیاری از کارشناسان و متخصصان مورد تأکید است (وحیدی، ۱۳۸۷: ۱).

بررسی‌ها در چند سال گذشته در کشور ما نشان از افزایش جمعیت در روستاهای بزرگ مقیاس و کاهش آن در روستاهای کوچک مقیاس دارد. گرایش روستائیان به زندگی در مراکز پرجمعیت و تمرکز تدریجی آنان در مراکز روستایی بزرگ اگرچه پدیده‌ای مثبت در نظام استقرار و بستری مناسب برای پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌های عمران و توسعه روستایی است. اما بی‌شک اگر انبوهی جمعیت در فضاهای روستایی هماهنگ و متعادل با منابع و امکانات نباشد و جمعیتی فراتر از توان نگه‌داشت نقاط روستایی در آنها اسکان یابد، مشکلات و مسائل زیست محیطی و اقتصادی و اجتماعی به بار می‌آید که در مواردی جبران‌ناشدنی است (مهدوی، ۱۳۸۱: ۱۲۵). مطالعات در زمینه آمایش سرزمین در مناطق روستایی ایران نشان می‌دهد که تاکنون سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه در فضاهای روستایی چندان رضایت‌بخش نبوده است و رویکردها و استراتژی‌ها نتوانسته است در حل به موقع مشکلات و رفع توسعه در عرصه‌های روستایی مؤثر باشد. لذا معضلات و تنگناها در روندهای زمانی و موقعیت‌های مکانی، مزمین و کهنه شده و اثرات مضاعف خود را بر جوامع روستایی تحمیل و برجا گذاشته است (مهدوی و عزمی، ۱۳۸۸: ۳۴). در ادامه به نتایج برخی از تحقیقات در این زمینه اشاره می‌شود.

یو^۱ و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که همراه با توسعه شتابان شهرنشینی و توسعه صنعتی در چین قریب به اتفاق فضاهای روستایی به ویژه مناطق توسعه یافته روستایی از حیث کارکردها و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی با تنگناهای جدیدی مواجه شده‌اند و راه برون رفت از این تنگنا را ارتقای تعامل مثبت بین مناطق شهری و روستایی به عنوان یک چشم‌انداز در بررسی توزیع و پراکنش فضایی جمعیت روستایی بر اساس مدیریت برنامه‌ریزی هماهنگ و یکپارچه شهری و روستایی در منطقه مورد تحقیق دانسته‌اند. لانگ^۲ و همکاران (۲۰۰۷) سه عامل صنعتی شدن، رشد جمعیت و تحول

^۱. YU

^۲. Long

اقتصادی چین را در تغییر کاربردی منطقه روستایی کونشان چین طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۸۷ مؤثر قلمداد کرده‌اند. دهمس^۱ و همکاران (۱۹۹۹) به بررسی ارتباط متقابل شهرگرایی و تغییرات کارکردی در نواحی روستایی کشورهای توسعه یافته مانند استرالیا، کانادا و آمریکا پرداخته‌اند و از سال ۱۹۷۰ به عنوان رنسانس روستا نام می‌برند که از این دهه به بعد روند مهاجرت معکوس می‌شود و شدت مهاجرت از شهر به روستا افزایش یافته است که اتخاذ سیاست تمرکززدایی از سوی حکومت‌ها و افزایش فعالیت‌ها در نواحی روستایی از دلایل آن می‌دانند. رحمانی فضلی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان سطح بندی سکونتگاه‌های روستایی آذربایجان غربی با استفاده از تکنیک تاپسیس، به رتبه‌بندی مناطق روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی به منظور تعیین جایگاه از نظر دسترسی به انواع خدمات پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که در سطح روستاهای استان آذربایجان غربی، روستاهای شهرستان نقده توسعه یافته‌ترین و مناطق روستایی شهرستان چالدران کم توسعه یافته‌ترین مناطق روستایی این استان بوده‌اند.

مواد و روش تحقیق:

شناخت بهتر و دقیق تر از وضعیت مکان‌های جغرافیایی در زمینه‌های مختلف در سطوح متفاوت منوط به در دسترس داشتن کامل و پردازش شده از مکان‌های مورد نظر است. برای نیل به این مهم، از یک سری از شاخص‌های ترکیبی اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و غیره استفاده می‌شود. این شاخص‌های ترکیبی می‌توانند سطحی از رفاه، آسایش، رشد و توسعه مکان‌های جغرافیایی را براساس معیارهای انتخاب شده نشان دهند. تعیین این شاخص‌ها، مهم‌ترین قدم در مطالعات توسعه ناحیه‌ای است. در این پژوهش با استفاده از ۲۴ متغیر در قالب ۷ شاخص فرهنگی، آموزشی، بهداشتی-درمانی، خدمات و بازرگانی، ارتباطی، اداری-سیاسی و زیرساختی و کمک مدل‌های شاخص مرکزیت و تحلیل خوشه‌ای به بررسی وضعیت توسعه و سطح‌بندی سکونتگاه‌های بخش مرکزی شهرستان شیراز پرداخته شده است.

جدول ۱- متغیرهای مورد مطالعه در پژوهش

کد	متغیر	کد	متغیر	کد	متغیر	کد	متغیر
۰۱	دبستان	۰۷	نرخ رشد جمعیت	۱۳	درآمد سرانه	۱۹	معکوس بعد خانوار
۰۲	راهنمایی پسرانه	۰۸	عملکرد تولید گندم در هکتار	۱۴	مرکز بهداشتی-درمانی	۲۰	دفتر پست
۰۳	راهنمایی دخترانه	۰۹	پاسگاه نیروی انتظامی	۱۵	پزشک خانواده	۲۱	ICT
۰۴	کتابخانه عمومی	۱۰	درصد باسوادی	۱۶	داروخانه	۲۲	طرح هادی
۰۵	سرانه دام	۱۱	برق	۱۷	سرانه زمین کشاورزی	۲۳	صنایع تبدیلی
۰۶	نرخ اشتغال	۱۲	گاز لوله کشی	۱۸	نسبت زنان شاغل به مردان	۲۴	بانک

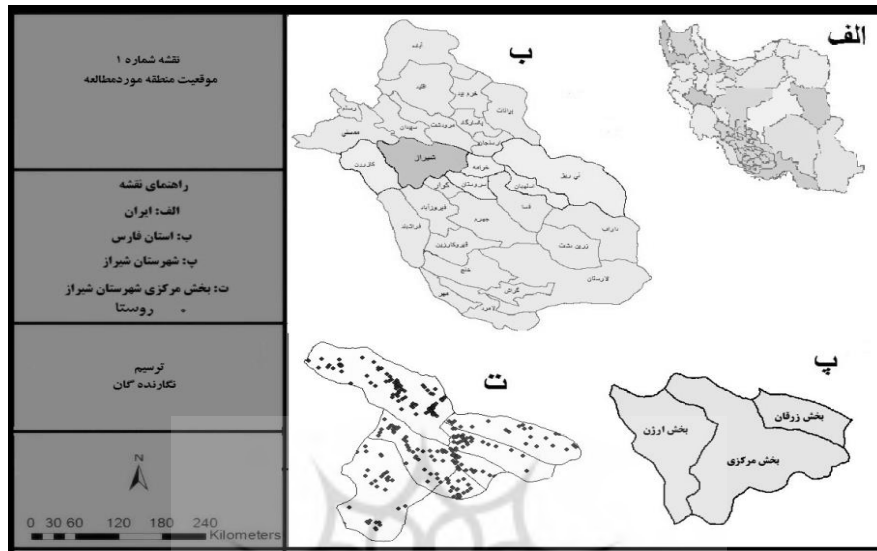
مأخذ: شناسنامه آبادی‌های استان فارس در سال ۱۳۹۰.

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی است که در آن با استفاده از مستندات آماری به تحلیل موضوع پرداخته می‌شود. بر اساس آخرین آمار موجود، در سطح بخش مرکزی شیراز ۲۴۰ آبادی وجود دارد که از این تعداد روستا، ۱۳۸ روستا که زیر ۲۰ خانوار می‌باشند از پروسه بررسی این پژوهش حذف شدند. سپس با استفاده از شاخص مرکزیت و به کارگیری ۲۴ متغیر نسبت به تعیین روستاهای منتخب اقدام گردید. در نهایت با کمک شاخص مرکزیت و روش تحلیل خوشه‌ای K میانگین به سطح‌بندی روستاهای منتخب در سه سطح توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته اقدام گردید. جهت انجام تحلیل‌ها از نرم‌افزار SPSS و برای ترسیم نقشه‌ها از نرم‌افزار Arc GIS استفاده خواهد شد.

¹ -Dahms

محدوده مورد مطالعه:

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، روستاهای بخش مرکزی شیراز می‌باشد. این بخش بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی از ۶ دهستان (بیدزرد، کفتوک، داریان، دراک، سیاخ دارنگون و قره باغ) و ۲۴۰ آبادی تشکیل شده است. از این تعداد آبادی، ۱۳۸ آبادی دارای سکنه و ۱۰۲ آبادی خالی از سکنه می‌باشند (معاونت برنامه‌ریزی استانداری فارس، ۱۳۹۲: ۱۴). (شکل شماره ۱).



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌های تحقیق:

سطح‌بندی خدماتی نقاط روستایی به منظور دستیابی به درجه اهمیت مراکز و کانون‌های جمعیتی بر مبنای تعداد خدمات موجود در هر یک از آنها انجام می‌گیرد. هدف از سطح‌بندی مراکز خدماتی روستاها، دستیابی به دامنه‌هایی از روستاها بر اساس تعداد مؤسسات خدماتی موجود در آنها به منظور تعیین درجه و قابلیت خدمات‌رسانی این مراکز است. در تغییر کمی افزایش تعداد خدمات، آستانه‌هایی وجود دارد که بر طبق آنها، در ارائه خدمات، کیفیت جدیدی بروز می‌کند و بر اساس کانون جمعیتی از حیث خدمات‌رسانی در سطح بالاتری قرار می‌گیرد.

محاسبه شاخص مرکزیت روستاهای بخش مرکزی شهرستان شیراز:

در این پژوهش برای سطح‌بندی خدماتی نقاط روستایی در بخش مرکزی شهرستان شیراز، ابتدا به تعیین شاخص مرکزیت نقاط روستایی مزبور اقدام گردید. برای محاسبه شاخص مرکزیت ابتدا لازم است که ضریب مکانی سکونتگاه‌های انسانی محاسبه شود تا بر اساس این ضرایب، شاخص مرکزیت به دست آید. عملکردهای وزنی، معادل نسبت معکوس آنها به خود می‌گیرند که ضریب مکانی نامیده می‌شود و از طریق فرمول زیر بدست می‌آید:

$$Ci = \frac{1}{Ti} \times 100$$

Ci = ضریب مکانی عملکرد

Ti = کل عملکردهای موجود در منطقه (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۲: ۲۶۵).

شاخص مرکزیت برای یک مکان برابر است با مجموع وزن عملکردهای موجود در آن مکان. هرچه میزان این شاخص بیشتر باشد، اهمیت کارکردی آن بیشتر است. (جدول شماره ۲).

جدول ۲- نتایج حاصل از محاسبه شاخص مرکزیت در روستاهای بخش مرکزی شهرستان شیراز

نام روستا	جمعیت	شاخص مرکزیت	نام روستا	جمعیت	شاخص مرکزیت
بیدزرسفلی	۲۵۳۴	۳۱۹/۱۸	کوشک مولا	۸۱۸	۲۰/۱۷۸
ده نو	۱۷۷۹	۱۳۹/۹۲	بردج	۳۵۷	۳۰/۱۷۸
قلعه نو	۲۶۸	۳۵/۷۵	تبرجعفری	۲۱۰۳	۱۹۶/۷۸
تفهیان	۵۵۱۰	۱۹۹/۷	علی آباد سه تلان	۱۹۲	۱۰۷/۵
اسماعیل آباد	۸۳۶	۵۲/۲۰۲	کلستان	۱۶۹۴	۱۱۴/۱۹
بیدزرد علیا	۱۲۷۴	۵۱/۳۹۷	آب پرده	۴۴۴	۱۱۴/۱۹
دهک	۲۵۹۸	۳۰۵/۸۵	کریم آبادجدول نو	۴۴	۱۵/۴۷
عباس آباد	۵۱	۹/۰۹	حسین آباد	۶۵	۸۳/۸
کوشک خلیل	۴۹۰	۲۰۶/۶۹	باغ پارادایز	۳۷	۷/۱۴
محمودآباد	۱۰۳۶	۱۴۴/۰۸	کودیان	۱۰۲۵	۳۳۳/۲۴
ظفرآباد	۴۳۹۵	۲۴۰/۰۲	آب زنگی	۵۳۳	۲۳/۸
قندیلک	۴۲	۷۹/۰۹	زیباشهر	۲۶۵۳	۴۶/۵۸
بوانک	۳۸۹	۵۲/۷	قلات	۲۹۸۸	۲۸۵/۸۵
چاه شیرین	۷۰	۱۹/۰۹	شهرک شهید بهشتی	۶۴۱۹	۳۸۰/۸۵
خلجوی	۳۱۵	۱۰۲/۷	منصورآباد	۹۰۰	۵۸/۰۸
علی آباد	۳۶۹	۱۳۶/۰۳	مهدیه	۲۰۲۵	۹۴/۹۱
بهران	۱۲۳۶	۲۰۶/۸۶	انجیره	۹۶۸	۱۵۹/۱۹
نیلگونک	۲۷۴	۵۲/۷	باجگاه	۳۵۳۵	۲۹۲/۵۲
کفترک	۱۰۱۳	۸۱۹/۳۶	ایور	۲۱۰	۶۵/۷
اقبال آباد	۳۰۵	۲۰۲/۷	خانه خمسین سفلی	۳۲۳	۱۳/۹
گردخون	۶۲۴	۸۶/۰۳	خانه خمسین علیا	۲۴۷	۸۰/۵۶
ماه فیروزان	۵۴۸	۵۲/۷	گردان ۲۴۱ نانک	۷۶۹	۲۹۰/۷
ایزدخواست باصری	۱۵۴۷	۲۴۶/۷۸	باب ایور	۲۱۰	۷۱/۶
دودج	۱۳۳۸	۴۹۶/۷۸	خارگان	۱۴۳	۲۱/۶
تبرلای بیسه	۱۶۹۲	۱۹۶/۷۸	دره	۲۲۵	۱۹۹/۹۳
تبرسادات	۴۰۶	۵۱/۷۸	شیب جدول	۱۹۳	۳۵/۷
کدنچ	۱۰۵۰	۵۹۹/۹۲	شهرک جواد الائمه	۱۷۴	۱۰۳/۲
آل سعدی	۶۳	۱۳/۹	منازل سپاه	۵۹	۱۲/۲۹
اسلام آباد	۲۷۵	۷۱/۶	کوشک بیدک	۳۴۹۷	۲۳۲/۳۹
دارنجان	۱۰۳	۴۹/۰۳	علی آباد	۱۰۴۱	۵۳/۱۹
قلعه چوبی	۴۰۰	۱۸۰/۵۶	شهرک مسکونی	۱۷۰	۴۱/۳۳
محمودآباد	۵۱	۸	دودمان	۳۲۹	۳۳/۹
نوروزان	۶۰	۱۳/۹	گچی	۲۵۳۸	۹۵/۰۹
شهرک غدیر	۶۹۴	۶۶/۶	جرسقان	۱۶۶۸	۱۳۱/۳۳
محمدآباد	۵۷	۸	شهرک صنعتی شیراز	۴۵۸	۱۲۱/۳۳
احمدآباد	۱۵۸	۳۳	خاتونک	۹۳۱	۱۰۵/۸
چنارمیشوان	۳۷۹	۶۳/۹	سلطان آباد	۴۹۷۷	۲۱۱/۱۳۰
دهداری شوراب	۹۷	۴۶/۶	جمال آباد	۴۲۹	۳۰/۲۱
دهنو شوراب	۳۹	۸	کرونی	۲۹۸۲	۲۶۵/۹۲
شکرآباد	۱۵۰	۱۳/۹	محمودآباد	۱۰۳۶	۴۰/۵
شوراب	۱۹۹	۱۵۵/۵۶	حسن آباد	۶۸۰	۴۵/۳۱
عباس آباد	۱۷۳	۴۶/۶	کفری	۲۲۲۹	۶۲
مهدی آباد	۱۱۹	۴۱/۶	اسلاملو ایلی	۱۰۵۰	۱۰۱/۶۲
مله گاه	۲۸	۰	سنجانک	۵۹۳	۶۸/۲۹
سهل آباد	۲۷	۰	شاهپورجان	۵۵۳۱	۱۴۸/۲۶
برمشورسفلی	۴۳۸	۱۲/۸	باغ خسرو	۱۳۲	۹۸/۴۳
برمشورعلیا	۱۰۰۵	۶۹/۲	چشمه سیدصفری	۳۱۲	۸
پل فسا	۴۲	۹/۵	کیان آباد	۳۷۰۴	۵۷/۳۱
دهکده سلامی	۴۰	۹/۵	نجم آباد	۲۶۷	۱۵/۱
شهرک سیدعلاء الدین	۷۷۰	۵۳/۶	شهرک ترافیکی	۳۲۴	۱۴/۳۱
باغ صفایی	۹۴	۱۵/۱	منطقه حمزه ای	۱۶۵	۳/۲

ماخذ: شناسنامه آبادی های ۱۳۹۰ استان فارس و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴.

در ادامه تحقیق نتایج حاصل از محاسبه شاخص مرکزیت در بین روستاهای بخش مرکزی شیراز نشان داده است که این روستاها اختلاف بسیار زیادی در بهره‌مندی از امکانات و خدمات دارند. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- نتایج حاصل از محاسبه شاخص مرکزیت روستاهای بخش مرکزی شیراز

دهستان	روستا	جمعیت	شاخص مرکزیت
بیدزرد	بیدزردعلیا	۱۲۷۴	۳۹۷/۵۱
	عباس آباد	۵۱	۹/۰۹
کفترک	کفترک	۲۰۱۹	۸۱۹/۳۶
	چاه شیرین	۱۴۱	۱۹/۰۹
داریان	دودج	۱۳۳۸	۴۵۶/۷۸
	تربرساتات	۴۰۶	۵۱/۷۸
دراک	شهرک شهید بهشتی	۶۴۱۹	۳۸۰/۸۵
	باغ پارادایز	۳۷	۷/۱۴
سیاخ	کدنچ	۲۰۸۱	۵۹۹/۹۲
	شکرآباد- محمودآباد	۱۱۴-۳۲۱	۸
قره باغ	کرونی	۲۹۸۲	۲۶۵/۹۲
	منطقه حمزه ای	۷۷	۳/۲

مأخذ: شناسنامه آبادی های ۱۳۹۰ استان فارس و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴.

چنانکه در جدول فوق مشاهده می‌شود، روستای کفترک با شاخص مرکزیت ۸۱۹/۳۶ و منطقه حمزه‌ای با شاخص مرکزیت ۳/۲ به ترتیب بیشترین و کمترین بهره را از شاخص مرکزیت در سطح بخش مرکزی شیراز دارا می‌باشند.

سطح‌بندی روستاهای بخش مرکزی شهرستان شیراز:

گرچه برای سطح‌بندی نقاط روستایی از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود، اما در این پژوهش با استفاده از نتایج حاصل از شاخص مرکزیت و با کمک تحلیل خوشه‌ای K میانگین سعی شده است که روستاهای بخش مرکزی شهرستان شیراز را در ۳ سطح کلی از نظر توسعه‌یافتگی سطح‌بندی شوند. در تحلیل خوشه‌ای K میانگین سعی می‌شود تا گروه‌های همگنی از موارد یا موضوعات تحت مطالعه را بر اساس ویژگی‌های انتخاب شده شناسایی کنند. این شناسایی بر اساس الگوریتمی انجام می‌گیرد که تعداد قابل توجهی از موارد را شامل می‌شود (کلانتری، ۱۳۹۱: ۳۳۱). با استفاده از نرم‌افزار $SPSS$ و اطلاعات به دست آمده از شاخص مرکزیت، نسبت به خوشه‌بندی روستاهای بخش مرکزی شیراز در ۳ خوشه اقدام گردید. نتایج این خوشه‌بندی در جداول شماره ۴ و ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۴- نتایج حاصل از خوشه بندی K میانگین در روستاهای بخش مرکزی شیراز

نام روستا	نام دهستان	خوشه	نام روستا	نام دهستان	خوشه
بیدزرد سفلی	بیدزرد	۲	تربرسادات	داریان	۳
ده نو	بیدزرد	۳	کوشک مولا	داریان	۲
قلعه نو	بیدزرد	۳	بردج	داریان	۲
تفهیان	بیدزرد	۲	تربرجعفری	داریان	۲
اسماعیل آباد	بیدزرد	۲	علی آباد سه تلان	داریان	۳
بیدزرد علیا	بیدزرد	۲	کلستان	دراک	۳
دهک	بیدزرد	۲	آب پرده	دراک	۳
عباس آباد	بیدزرد	۳	کریم آباد جدول نو	دراک	۳
کوشک خلیل	بیدزرد	۲	حسن آباد	دراک	۳
محمودآباد	بیدزرد	۳	باغ پارادایز	دراک	۳
ظفرآباد	بیدزرد	۲	کودیان	دراک	۳
قندیلک	کفتک	۳	آب زنگی	دراک	۳
بوانک	کفتک	۳	زبایشهر	دراک	۳
چاه شیرین	کفتک	۳	قلات	دراک	۲
خلجوی	کفتک	۳	شهرک شهید بهشتی	دراک	۲
علی آباد	کفتک	۳	منصورآباد	دراک	۳
بهران	کفتک	۲	مهدیه	دراک	۳
نیلگونک	کفتک	۳	انجیره	دراک	۲
کفتک	کفتک	۱	باجگاه	دراک	۲
اقبال آباد	کفتک	۲	ابور	سیاخ دارنگون	۳
گردخون	کفتک	۳	خانه خمسین سفلی	سیاخ دارنگون	۳
ماه فیروزان	کفتک	۳	خانه خمسین علیا	سیاخ دارنگون	۳
ایزدخواست باصری	داریان	۲	گردان ۲۴۱ تانک	سیاخ دارنگون	۲
دودج	داریان	۱	باب ابور	سیاخ دارنگون	۳
تربلای بیشه	داریان	۲	خارگان	سیاخ دارنگون	۳
دره	سیاخ دارنگون	۲	باغ صفایی	قره باغ	۳
شیب جدول	سیاخ دارنگون	۳	شهرک جواد الائمه	قره باغ	۳
کدنچ	سیاخ دارنگون	۱	منازل سیاه	قره باغ	۳
آل سعدی	سیاخ دارنگون	۳	کوشک بیدک	قره باغ	۲
اسلام آباد	سیاخ دارنگون	۳	علی آباد	قره باغ	۳
دارنجان	سیاخ دارنگون	۳	شهرک مسکونی	قره باغ	۳
قلعه چوبی	سیاخ دارنگون	۲	دودمان	قره باغ	۳
محمودآباد	سیاخ دارنگون	۳	گچی	قره باغ	۳
نوروزان	سیاخ دارنگون	۳	جرسفان	قره باغ	۳
شهرک غدیر	سیاخ دارنگون	۳	شهرک صنعتی شیراز	قره باغ	۳
محمدآباد	سیاخ دارنگون	۳	خاتونک	قره باغ	۳
احمدآباد	سیاخ دارنگون	۳	سلطان آباد	قره باغ	۲
چنارمیشوان	سیاخ دارنگون	۳	جمال آباد	قره باغ	۳
دهداری شوراب	سیاخ دارنگون	۳	کرونی	قره باغ	۲
دهنو شوراب	سیاخ دارنگون	۳	محمودآباد	قره باغ	۳
شکرآباد	سیاخ دارنگون	۳	حسن آباد	قره باغ	۳
شوراب	سیاخ دارنگون	۲	کفری	قره باغ	۳
عباس آباد	سیاخ دارنگون	۳	اسلاملو ایلی	قره باغ	۳
مهدی آباد	سیاخ دارنگون	۳	سنجانک	قره باغ	۳
مله گاه	سیاخ دارنگون	۳	شاهپورجان	قره باغ	۳
سهل آباد	سیاخ دارنگون	۳	باغ خشرو	قره باغ	۳
برمشورسفلی	قره باغ	۳	چشمه سیدصفری	قره باغ	۳
برمشورعلیا	قره باغ	۳	کیان آباد	قره باغ	۳
پل فسا	قره باغ	۳	نجم آباد	قره باغ	۳
دهکده سلامی	قره باغ	۳	شهرک ترافیکی	قره باغ	۳
شهرک سیدعلاء الدین	قره باغ	۳	منطقه حمزه ای	قره باغ	۳

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴.

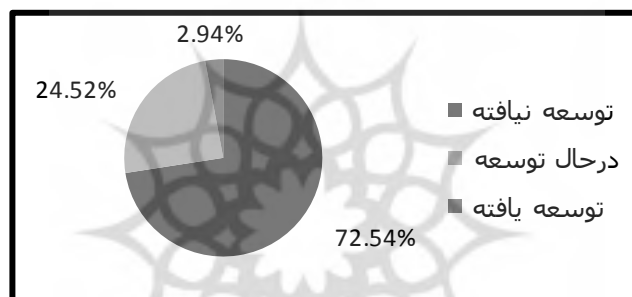
جدول ۵- نتایج حاصل از خوشه بندی K میانگین دردهستان های بخش مرکزی شیراز

نام دهستان	تعداد روستا	خوشه		
		۱	۲	۳
بیدزرد	۱۱	۰	۷	۴
کفتک	۱۱	۱	۲	۸
داریان	۸	۱	۵	۲
دراک	۱۴	۰	۴	۱۰
سیاخ دارنگون	۲۷	۱	۴	۲۲
قره باغ	۳۱	۰	۳	۲۸
تعداد	۱۰۲	۳	۲۵	۷۴

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴.

سطح بندی روستاهای بخش مرکزی شهرستان شیراز:

از نظر سطح توسعه‌یافتگی نیز در سطح روستاهای این بخش، ۷۴ روستا (۷۲/۵۴ درصد) توسعه نیافته، ۲۵ روستا (۵۲/۲۴ درصد) در حال توسعه و ۳ روستا (۲/۹۴ درصد) توسعه یافته می‌باشند. (شکل شماره ۲).



شکل ۲- سطح بندی روستاهای بخش مرکزی شیراز براساس توان انسانی از دیدگاه آمایش سرزمین

نتیجه‌گیری:

در این پژوهش وضعیت روستاهای بخش مرکزی شهرستان شیراز از نظر سطح‌بندی خدمات و امکانات مورد بررسی قرار گرفت. در بخش مرکزی شهرستان شیراز بر اساس آخرین سرشماری رسمی کشور ۲۴۰ آبادی وجود دارد. به لحاظ گستردگی و تعداد زیاد این آبادی‌ها، ۱۳۸ آبادی زیر ۲۰ خانوار از چرخه این پژوهش حذف شدند. سپس با دسته‌بندی این ۱۰۲ روستا در قالب ۶ دهستان، نسبت به محاسبه شاخص مرکزیت اقدام گردید. ذکر این نکته لازم است که برای محاسبه شاخص مرکزیت ابتدا لازم است که ضریب مکانی این سکونتگاه‌ها محاسبه شود. نتایج حاصل از محاسبه شاخص مرکزیت در بین روستاهای بخش مرکزی شیراز نشان داده است که این روستاها اختلاف بسیار زیادی در بهره‌مندی از امکانات و خدمات دارند؛ به طوری- که روستای کفتک با شاخص مرکزیت ۸۱۹/۳۶ و منطقه حمزه‌ای با شاخص مرکزیت ۳/۲ به ترتیب بیشترین و کمترین بهره را از شاخص مرکزیت در سطح بخش مرکزی شیراز دارا می‌باشند. پس از تعیین شاخص مرکزیت در سطح روستاهای بخش مرکزی شیراز نسبت به سطح‌بندی آنها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و اطلاعات به دست آمده از شاخص مرکزیت، اقدام گردید. گرچه برای انجام سطح‌بندی روش‌های مختلفی وجود دارد؛ اما در این پژوهش با استفاده از تحلیل خوشه‌ای K میانگین نسبت به سطح‌بندی این روستاها اقدام گردید. نتایج از نظر سطح توسعه‌یافتگی نیز در سطح روستاهای این بخش، نشان داد که در مجموع از ۱۰۲ روستای مورد مطالعه، ۷۴ روستا توسعه نیافته، ۲۵ روستا در حال توسعه و ۳ روستا توسعه یافته می‌باشند. در واقع مهم‌ترین نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست آمد، این است که در بخش مرکزی شیراز همانند بیشتر مناطق کشور، بیشتر روستاها از نظر سطح توسعه‌یافتگی در سطح بسیار پایین می‌باشند؛ به طوری که نزدیک به ۷۳ درصد از این سکونتگاه‌ها

با مسأله عدم توسعه یافتگی روبرو می‌باشند. عدم وجود امکانات و خدمات و توزیع نامناسب آن در سطح روستاهای این بخش از یک طرف و نزدیکی به شهر شیراز از طرف دیگر زمینه مهاجرت‌های روستایی را به سمت مرکز این شهرستان تشدید نموده است، نتیجه این مهاجرت‌ها خالی شدن روستاهای منطقه از جمعیت می‌باشد؛ به طوری که در سال ۱۳۸۵ فقط ۵۰ روستا در این بخش خالی از سکنه بوده است در حالی که این عدد در سال ۱۳۹۰ به ۱۰۲ روستا رسیده است و این می‌تواند زنگ خطری برای مسؤولان و برنامه‌ریزان محلی در سطح استان فارس در آینده باشد.

منابع و مأخذ:

۱. حاجی نژاد، علی (۱۳۷۵): ساماندهی فضایی سلسله‌مراتب خدمات سکونتگاه‌های روستایی مورد: بخش شیب آب شهرستان زابل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲. حکمت‌نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۹۲): کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات آزادپیما، چاپ سوم، تهران.
۳. رحمانی فضلی، عبدالرضا، هدایت اله درویشی، مصطفی بیغم و مریم بیرانوند زاده (۱۳۹۱): «سطح بندی سکونتگاه‌های روستایی آذربایجان غربی با استفاده از تکنیک تاپسیس»، همایش ملی توسعه پایدار کشاورزی و محیط زیست سالم، همدان.
۴. سعیدی، عباس (۱۳۸۱): مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۵. شکور، علی و علی شمس‌الدینی (۱۳۹۱): «نقش‌آفرینی کانون‌های شهری در ایجاد تعادل و توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهر مصیری و روستاهای پیرامونی)»، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال ۷، شماره ۲۱، رشت، صص ۶۳-۷۷.
۶. شمس‌الدینی، علی و علیرضا رحیمی (۱۳۹۲): «سطح بندی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ممسنی با استفاده از تکنیک‌های ساماندهی فضا»، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۴، مردشت، صص ۱۰۲-۸۷.
۷. طالبی، مصطفی و مصطفی امیرفرخ‌ریان (۱۳۹۱): «کاربرد الگوهای کمی تحلیل فضایی جمعیت در آمایش سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی)»، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال ۱، شماره ۴، تهران، صص ۱۰۵-۱۲۸.
۸. کلانتری، خلیل (۱۳۹۱): پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، انتشارات فرهنگ صبا، چاپ پنجم، تهران.
۹. کلانتری، خلیل (۱۳۸۰): برنامه ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، انتشارات خوشبین، چاپ اول، تهران.
۱۰. مابوگونج، آال و آر. پی. میسرا (۱۳۶۸): توسعه منطقه‌ای؛ روش‌های نو، ترجمه: عباس مخبر، انتشارات مخبر، چاپ اول، تهران.
۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰): شناسنامه آبادی‌های استان فارس، انتشارات استانداری فارس، شیراز.
۱۲. معاونت برنامه‌ریزی استانداری فارس (۱۳۹۲): سالنامه ۱۳۹۲ استان فارس، انتشارات استانداری فارس، شیراز.
۱۳. مهدوی، مسعود و آئیژ عزمی (۱۳۸۸): «فضا، آمایش و توسعه روستایی»، فصلنامه جغرافیای سرزمین، شماره ۲۲، صص ۴۲-۲۵.
۱۴. مهدوی، مسعود (۱۳۸۱): مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران.
۱۵. وحیدی، پریدخت (۱۳۷۳): «آمایش سرزمین: راهنمایی برای آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۷، تهران، صص ۱۰۴-۷۵.

16. Dahms, F & Mccombo, J. (1999): counter urbanization Interaction and Function all change in Rural Amenity Area – a Canadian Example, *Journal of Rural studies*, vol.15, No.2, pp.146.
17. Heldak, M. (2010): Functional standardization of Rural Area of Dolnoslaskie viodeship, *Bullent of Geography socio – Economic series*, NO.13, pp.127-137.
18. Hasmen, N.M. (1970): *French Redional planning*. Edinburgh Indian university press.
19. Henry, w.(2002): *curriculum: perspective, paradigm & possibility*, Leonard Hill Books.
20. Kuklinski, A. (1979): *social Issues in Regional policy and Reigional planning*, Netherlands Economic In statute.
21. Long, H., Hang, G., Li, X.& Heilig, G.K. (2007): Socio- Economic Driving Forces of land use change in kunshan, they angtz River Delta Economic Area of chaina *Journal of Environmental Management*, No.83, PP.351- 364
22. Yu, T., zhang, J.x., sun, L,J. (2009): *Research on Rural spatial Distribution in chaina Based on urban –Rural Integrated planning Management*, Fourth Internation conference on computer sciences and convergence Information Technology seoul, korea, pp.269-299.